

موضوع و زبان و خوش‌آهنگی

و خط تاثیر

در مقاله گذشته به برخی نکات تاریخی و فنی راجع بزبان فارسی اشاره کردیم ولی واضح است این موضوع کتابی جداگانه لازم دارد و مقاله گذشته و این مقاله فقط برای جلب توجه هنرمندان، به حقایق است که شاید بتوان آن‌ها را در آینده زمینه بحث و تحقیق قرارداد.

بازی نباید تکرار کرد که زبان در حالت حاضر از نظر اصطلاحات جدید علمی و فنی که در دو سه قرن گذشته در اروپا وضع کرده اند فقیر است ولی جبران این عقب رقیب مانده که آسان می باشد. زیرا که زبان ما از هر حیث از زبانهای مرده برای چنین کاری آماده و پرورده تر است بشرط این که ما بر سخاوتی و قواعد وضع کلمه آشنا باشیم. آموختن زبان لاتین و یونانی برای اروپائیان بسیار مشکلتر از آشنائی ما به سوابق زبان خودمان است و اگر بر حله عمل دارد شوم بهتر معلوم خواهد شد که سرمایه زبان ما برای چنین کاری از مجموع مواد آن در زبان مرده نا هم بیشتر است.

خلاصه اگر زبانی در زمان طولانی سیر طبیعی خود را کرده و مراحل سیر گذشته آن در دست باشد و مردمی که بآن سخن می گویند در پیش آمد های گوناگون و زود و غرور های معنوی و مادی تحولانی در اوضاع و افکار آنها پیدا شده باشد میتوان در نزد آنها سرمایه شایانی برای قصه ها و نمایش نامه های پدید آورد و ما تا آنجا که بررسی کرده ایم چنین سرمایه‌ی در ایران و زبان ایران بیشتر از جاهای دیگر یافت میشود ولی اگر حالت هائی از این تروت سرشار مانند تروتهای مادی دیگر استفاده نشده عیش این است که علائق علمی یا امور هنری از قبیل موسیقی و تئاتر و نقاشی و مجسمه سازی مخالف با عقاید بیشتر مردم جهان در مدتها شازده قرن گذشته بوده است. در اروپا هم تقریباً چهار قرن است که کم کم طرز فکر تغییر کرده و آن افکار پوسیده را

کنار گذاشته اند.

با وجود موانعی که دامنگیر ما شده ملاحظه میکنیم بهر طوری بوده سرشت مردم ایران این هنرها را در صورت قصه های دژمی و بزمی و شبایل سازی و شبیه خوانی و نقش نگار مسجدها حفظ کرده اند.

منظومه های شاهنامه و وایس و رامین و نظامی و مثنوی و . . . و غیره ای حافظ و . . . و قصه هائی مثل هزار افسانه که ترجمه آنرا بهر بی الف لیله می گویند و داستان رزموزحمزه و . . . و حوادث تاریخی چند هزار ساله میتواند زمینه صد ها قصه و نمایشنامه ها و سینمای دلربای تاریخی و ادبی و معنوی شود.

ما نباید انتظار داشته باشیم که بدون تربیت و آشنا ساختن اشخاص مستعد سرمایه های ادبی و رموز زبان ممکن باشد که در این رشته هنر پیشرفت کنیم. سرمایه های معنوی و مادی هر چه زیاد باشد برای استفاده از آن تربیت و راهنمایی و کوشش و هنر پروری لازم است. پیدا کردن یک موضوع مناسب از میان آثار گذشته گان و پروردن آن با زبان ادبی و رسا و خوش آهنگ برای قصه و نمایشنامه کار آسانی نیست. ملاحظه فرمایید این حکایت کوتاه باب دوم گلستان چگونه زمینه رمان سینوایان و بکتور هوگو نویسنده فرانسوی شده است و چنین کاری، کادر کسی نیست.

«دزدی بغانه پارسانی در آمد چندان که جست چیزی نیافت و دل تنگ گسردید. پاراسارو خبر شد گلپس را که بر آن خفته بود در رهگنودد انداخت تا محروم باز نگردد.»

شیدم که مردان راه خدای

دل دشمنان هم نکردند تنگ

تراکی میسر شود این مقام

که با دوستانت خلاف است و چنگ

پس از داشتن سرمایه های لازم برای

نوشتن یک نمایشنامه زبانی ساده و رسا و خوش آهنگ لازم است تا این که بتوان زبانی معاصر را بی تکلف با الفاطی رسا و روانی خوش و موثر بیان کرد.

رسانائی و خوش آهنگی یک زبانی این نیست که مردمی بگویند زبان ما رسا و خوش آهنگ است و با اینکه کتب بسیار بآن زبان نوشته شده و این که همه سخن گویند بآن به میلیون ها میرسد عادت بطرز سخن گوئی زبانی، از زمان کودکی و علاقه مندی مردم بداشته های ملی خودمانی از ددک حقایق علمی و فنی خواهد شد. مخصوصاً اگر زبانی را برای مقاصد سیاسی یا مذهبی از مذهب و بطلاده باشند تا اینکه انحصاری یک دست ممتاز و معینی شود. تشخیص رسانائی یک زبانی از نظر کلمه و جمله و جمله بندی بسیار از روی اصول علم معنی باشد. علم معنی علمی است که بدون توجه بزبانی از زبانها در آن بحث میشود از چگونگی کلمات مفرد و مرکب و وجود و عدم امکان معانی در خارج و دلالت لفظ بر معنی و طریقه وضع کلمات و نقش و کمال دستگاه فعل و محل اعراب اسم و رنگهای مختلف معنی ثابت یک جمله در حالت تغییر جای کلمه در جمله . . .

تا آنجا که اطلاع داریم در زبانهای دیگر توجهی با اصول این علم نداشته اند. غیر طبیعی بودن قواعد صرف و نحو و نداشتن ریشه ووندهای کافی و نقش دستگاه صرف فعل و اسم و بستگی معنی جمله بجای کلمه در جمله و ماخذ گرفتن عادت و سماع و . . . عدم اطلاع سخن گویند زبانها را از اصول این علم میرساند.

اگر بجای قواعد نسائی و همین صرف و نحو زبانها توجهی به اصول این علم میشد باسانی معلوم نمیکردید که زبان فقط باید وسیله پرورده آسان و رسانائی برای ادای هر گونه معنای مقصود باشد آنکه چنان در لفافه مشکلات و همی پیچیده شود که از یک طرف اسباب فضیلت عده بسیار کمی آنها پس از کوششهای طاقت فرسا گشته و از طرف دیگر اکثریت مردم از استفاده از آن برای بیان مقاصد و افکار خود بجزم بیسوادی محروم و مبهودر بمانند. خوشبختانه از دقت درمباحث علمی که بنام منطق مشهور شده و همچنان جدالهایی که راجع بزبان فارسی و عربی از عصور گذشته بر پا بوده و تحقیقات زبان شناسی در قرن اخیر و . . . میتوان نظریان این علم را از نو بصورت اصلی خود تدوین کرد. بقیه در صفحه ۴۱

موضوع و زبان و خوش آهنگی و خط تئاتر

بقیه از صفحه ۶۱

خوش آهنگی يك زبان تيز بگفته سخنگويسان آن دسان نيباشد . اين دعوى را بايد فن صداشناسي فيصله دهد چنى بايد «ويلها و كسن» هاى زباني را مورد مطالعه شريفين قرار داد و ملاحظه كرد كه آيا شماره آنها از حدود طبيعى بيشتر و يا كمتر است .

برخى از زبانها چندين ويل و كسن حلقى دارند كه از طبيعت خارج است هر چند سخنگويان به آن زبان از زوى عادت با تعليم به آنها شوكرفته باشند همچنين برخى از زبانها ويل و ياكسن حلقى ندارند در اين مورد هم بايد بررسى نمود كه آيا از كار انداختن مغزى از مخارج صرفه هنر سخن گوئى است يا نه .

برخى از زبانها شماره ويل آنها كم و برخى زياد است . بلاوه كوناهى و بلندى ويل در معنى كلفه تاثير كلى دارد در اين مورد هم بايد تحقيق شود كه تا چه اندازه محدوديت در خوش آهنگى و بيان معنى پيدا خواهد شد .

همچنين بايد تحقيق شود كه آيا آكسان دادن به جزئى از اجزاء كلفه با هم مربوط بلم معنى باشد و با هم مربوط بلفن صداشناسى . توجه بآين نكته اخير مخصوصا از نظر تئاتر و سخنرايى بسيار مهم است .

...

بظن ما تا كتون هنر تئاتر در جهان داراى يك نفس اساسى است زيرا خطى كه شوان بوسيله آن مطابق اصول علمى و فنى آهنگ ادا كردن صداها و لهجه هارا نوشت و ضبط كرد وجود ندارد .

در كتب تاريخ آمده كه ايرانيان قديم خطى داشتند كه هر صدا و هر گوه لهجه ايدا ميتوانستند با آن بنويسند . همچنين خط ديگر ساده ترى داشتند كه آهنگ تراتم كتب دنى واديه خود را بآن مينوشته اصول كلى اين خط آسان فنى و عملى را در جروه اى به نام «دوير» شرح داديم و گمان مى كنم اگر چندي باوسائل فنى چندپردوى

رقص و باله در سينما

بقیه از صفحه ۲۷

است اينكار براى يك هنرمند بسيار باس آواز و ناراست كننده خواهد بود كه اثر خود را كه نتيجه زحمات و كار پر حوصله او بوده است توسط قبضى بيرحانه مأمور تدوين فيلم قطعه نقطه شده يابد .

ولى اين عمل در استوديوه هاى هاليوود معمول و رائج گشته كه دهربان و استادان باله را استخدام دائم نموده بدين منظور كه فقط براى آنان رقص هاى ستارگان عقب صحنه (براي سپاهى لشكر) و اخلاق ناميده مسلم است كه اين هنرمندان با مهارتى نادر كار خويش را با موفقيت انجام ميبهند .

با اين وصف آنهاييك در حقيقت داراى افكار غلاته هستند نميتوانند چنين كار فريب دهنده ايرانيان قبول كنند . بدون شك از همين نظر است كه Robbin «ژرژ بوپرين» هيبته از قبول كار در هاليوود با وجود دو بافت مبلغ هنگفت و سرسام آور خوددازى كرده است . شايد هم دليل اين امتناع از قبول پيشهاد كار در هاليوود اطلاع وى از سرگذشت Loring «اوژن لوردك» بوده است .

لوردك شغل مهم و با ارزش خويش يعنى بويستندگى و تنظيم باله را براى صحنه نمايش را بنظرو استفاده در هاليوود ترك گفت . با وجود آن كه مدت چند سال در آنجا اقامت گزيده توانست جز در چند فيلم شركت جويد و فعاليت از خود نشان دهد و بغير از يك كار شايسته و قابل ذكر موفق نشد اثرى خلق نمايد . آن اثر عبارت از رقص «فرد آستر» در فيلم «بولاندا و دزد» بود .

بايد اعتراف نمود كه هاليوود هرگز ميدانى براى شائقين رقص نازنگداشته و باهبيت و نيسوغ هنرمندان رقص بى نيزه است شايد رقص در نظر آنها فقط براى امور ناچيز عقب صحنه و سپاهى لشكر بكار ميرود و يادرمى مخصوص - فيلمهاى موزيكل بوده كه در آن خواهش و نساهاى بيجاى ستارگان استوديوه هاى فيلم بيش از افكار هنرمندان يك فرادى از تئاتر و نمايش ارزش داشته و شايد هم استفاده استادان باله در هاليوود فقط براى حفظ صورت ظاهر بوده است . بايان قسمت اول ترجمه از «مجله سينما» پارس

در آن از رقص و طبيعت ايركك گرفته شده باله اى بنام «قتل عام در دهين خيابان» خلق نموده كه از هر لحاظ از كار اولش بهتر و عاليتر است . تطابق تئاتر و همچنان با بصرى توام با تئاتر آن سنى آن بسيار جالب و مثير انجام گسرديده . گسره چه داستان اين فيلم مانند اكثر باله هاى كتونى معنائى چندانى دارد ولى بلاشين نشان ميبهد كه حالت دينيم ميتواند از حدود وزنهاى خشك معمولى فراتر رفته و اهميت بسزايى دارا باشد . اين فيلم به فقط از آن جهت قابل ملاحظه است كه رقص آن كاملا خوب اجرا گرديده بلكه بخصوص از نظر زواياييك فيلم بردارى شده قابل تعريف و ستايش است بگانه اثر De Mille آئس دوميل كه فيلم بردارى آن در هوليوود انجام گريده كتر فرين موقتيت گشت زير صحنه رقص مجلل آن كه در درياد بصرى رمنو و زوليت تريب داده شده بسود براى آن كه ضرورى بچريان دوام داستان دارد نيايد بيرحانه قطع نميگردد .

همچنين در فيلم «آنا و شاه سپاه» پس از خلق يك رقص و كاروتريين بسيار «Si-Lan-Chen» «سى لان شين» با كمال تامل و تمجب اثر خود را در چند دقيقه نمايش بى مقدار کوتاه و خلاصه شده بافت .

استوديوه هاى فيلم بردارى هاليوود با قدرت مالى خود استادان باله را استخدام ميكند تا فقط براى آنها تربيت رقص هاى ساده عقب صحنه را بدهند . مسلم

اين موضوع كاركتيم تصور مى شود پس از چند سال پيشرفت شايى در عالم تئاتر نصيب ما خواهد گرديد .

خلاصه ما بايد بدانيم كه منظور و مقصود ما از تئاتر چه از لحاظ نوشتندگى و چه از نظر هنر پيشه گى چيست . اگر منظور اصلى تجارت و جلب منفعت باشد راه پيشرفت در اين كار اين است كه هر چه مردم را بيشتر جلب ميكند خواه پندیده و خواه نا پندیده بصورت تقليد و هزل با حوازيات تئاتر آورى زمينه هاى معنوى و جنائى و بليسى در آوريم ولى اگر مقصود ما از تئاتر درس تاريخ و اخلاق و منسوبات و هنر نمايى باشد روش پيشرفت بآن آسانى نيست .